



محسن یزدی پور

منظری برای ندیدن

نشر نظر

قطع کتاب در ایران متعارف نیست و مرا به یاد فرم کتاب‌های عکاسی فایدون می‌اندازد. به شناسنامه کتاب نگاهی می‌اندازم تا قطع کتاب که به فیپا اعلام شده است را بررسی کنم؛ در شناسنامه قطع اعلام شده بیست و یک و نیم در چهارده و نیم است، یعنی قطع رقعی! اما قطع کتاب در دست من بیشتر قطع پالتویی می‌نماید. چاپ و صحافی کتاب خوب است و امکان بارها دیده شدن را می‌دهد. کتاب دارای تویی جلد است و اطلاعات عکاسی و رزومه آنجا نوشته شده است.

نام این مجموعه‌ها که در انتشارات نظر در حال چاپ است؛ «۶۰ عکس» است و ناشر تأکید دارد که عکس‌های مجموعه‌ها با اختیار و انتخاب عکاس گزیده شده و ناشر با نگاه عکاس همراهی کرده است. جلد هماهنگ با دیگر کتاب‌های مجموعه طراحی شده، اگر چه رنگ مجموعه‌ها متفاوت است اما اسکلت‌بندی جلد از نام عکاس و نام کتاب در بالای صفحه، عکسی از کتاب در میانه‌ی صفحه و لوگوی ناشر در پایین صفحه، ثابت است. عکاس نگاهش را به دو چهره‌ی عکاسی مدیون می‌داند؛ بهمن جلالی و یحیی دهقانپور دو

چهره‌ای که نه از منظر نگاه عکاسانه و نه از منظر نگاه دوستانه هیچ قرابتی با هم ندارند!

متن یزدی‌پور با نگاه به گذشته، روایتگر گذشته‌ای شیرین و پرخاطره است. او که شهر را با همان مقیاس انسانی‌اش می‌پسندد اینبار با شهری مواجه شده که تمام ساختارهای هویتی پیشینش را از دست داده، عکس‌ها عملاً ساختارشکنانه به جنگ شرایط و نگاه موجود می‌رود. تهران نه برای پیاده‌ها، نه برای دوچرخه‌سواران و نه برای زندگی با کیفیت ساخته شده است. تنها نامی که برای این قریه‌ی دوره‌ی صفوی و شهر قجری می‌توان نوشت؛ «عروس هزار داماد» است. هرکس و هر دوره‌ای به او آسیبی روحی و فیزیکی زده و رهایش کرده است. تهران شهر خاطرات است، از میدان راه‌آهن تا تجریش، از شوش تا فرحزاد، چهارراه ولیعصر و میدان انقلاب.

تهران برای من با یاد ترانه‌ای هم سنگ است؛ همانجا که می‌گفت: «تهران شب است و نور است / تهران و کوچه‌هایش یادآور غرور است». خیابان‌های این شهر با نام کشته‌شدگان جنگ و انقلاب گره خورده است، هر چند تعداد زیادی از مردم این شهر نام‌های قدیمی را بر سر زبان دارند. تجربه زیستی به من آموخته است که مردم خود انتخاب می‌کنند چه نامی را به کار ببرند و نام گذشته و حال برایشان فرقی ندارد. تهران من عباس‌آباد، تخت طاووس، عشرت‌آباد و میدان آزادی دارد، اما بلوار الیزابت و میدان شهید ندارد. خیابان‌های تهران همچون مردمش پر است از تناقض، اتوبان شیخ فضل‌الله در کنار خیابان ستارخان! تهران من به قول دوستانِ اهل دل، چهارراه کمونیست دارد؛ همانجا که بلوار کشاورز با خیابان کارگر به هم می‌رسد، تقاطع داس و چکش! تهران برای من بلوار کشاورزی است که در بیمارستان‌هایش هیچ کشاورزی درمان نمی‌شود. یزدی‌پور در تلاش است تا به خیابان‌ها و پل‌های روگذر دیگری نگاه کند و آن منظر ندیدنی را بار دیگر به ما نشان دهد. اما برای من همه این پل‌ها و خیابان‌ها یکی از همان زخم‌های هزار داماد شهر است، تا بلکه بودجه‌ای نجومی برای دوستان هم مسلک خود بسازد. تهران ما با تهران یک کارگر، یک کارفرما و یک دولتمرد فرق دارد. حتی افق دیدن شهر و زیبایی‌ها و زشتی‌هایش متفاوت است. تهران من خاطره‌ی گذر دختر دانشجوی یکی از همکارانم از زیر پل

نیایش در صبحی زمستانی است که با حمله‌ی سگ‌ها همراه شد و بدن مثله شده‌اش چند ساعت بعد پیدا شد.

تهران من میدان انقلاب است که همه‌ی تاریخ پر حادثه‌ی کشور را در سینه دارد. تهران من خیابان امیرآباد است که شمس لنگرودی آن را خیابان ندا می‌خواند. تهران من با تهران خیابان یاسر در نیاوران فرق دارد. تهران من عشرت‌آباد است با آن کاخ زیبا درمیان حصارى دست‌نیافتنی. تهران من موتورهای پارک شده در اتوبان‌ها است، همان جا که جان می‌خرند و می‌فروشند. این شهر برای یزدی‌پور جایی برای نرسیدن است، چرا که زیستن در این شهر بی‌سامان، زندگی برای نان و نان برای زنده ماندن است. تهران برای من همان شهری است که با ورود مهاجران بی‌شغله‌ی توده‌ای عظیم و سیاه‌لشکرانی بی‌سابقه برای تغییری شگرف در دهه‌ی ۵۰ ایجاد کرد. تهران من دیگر باغ‌های انار و درختان توتش را از دست داده است. این شهر هیولایی بی‌شاخ و دم و مجسمه‌ای از ناکارآمدی و بی‌فرهنگی صاحبانش را به من گوشزد می‌کند.

تهران با همه‌ی دردهایش هنوز آمال آرزومندان است، گویا آدم‌های شهر دیگر توان زندگی در آرامش را ندارند و دویدن و نرسیدن را ترجیح می‌دهند. دلیل بلعیده شدن توسط این هیولا، توهم زندگی بهتر و رسیدن به ثروت است، رؤیایی دست‌نیافتنی که همه را برده‌ی خود کرده است، همان‌گونه که بشر پیش از تاریخ به توهم زندگی بهتر کشاورز شد و کشاورز به تصور رفاه به صنعتی شدن تن داد.

تهران یا طهران فرقی ندارد، طهران\* شهر غلط‌ها و تناقض‌ها است.

یحیی باباپور

کارشناس ارشد عکاسی

۹۹۱۲۳۳۵۲۰۱

---

\* به عمد اشتباه نوشته شده است.